

یادداشت

آیا اهرم ژئواکونومی گذرگاه‌های انرژی تاریخ انقضا دارند؟



محمدمحمودی کیا

بحث دربارۀ گذرگاه‌های انرژی، در ظاهر بحثی جغرافیایی است، اما در باطن یکی از مهم‌ترین مباحث اقتصاد سیاسی جهان معاصر به شمار می‌رود. تنگه‌ها، کانال‌ها و معابر اهربردی دریایی فقط مسیر عبور کشتی‌ها نیستند؛ آنها نقاط تمرکز قدرت، محل تلاقی منافع و در بسیاری از موارد ابزار اعمال فشار ژئواکونومیک هستند. از تنگه مالاکا و باب‌المندب گرفته تا کانال سوئز، تنگه هرمز، مسیرهای دریایی روسیه–پاکتیک، همگی در مقاطع مختلف نشان داده‌اند که چگونه یک نقطه محدود جغرافیایی می‌تواند بر اقتصاد جهانی سایه بیندازد. علت این مسئله روشن است. بخش مهمی از انرژی، مواد اولیه و کالا‌های حیاتی جهان از مسیرهایی عبور می‌کند که از نظر جغرافیایی محدود و از نظر اهربردی بسیار حساس‌اند. هنگامی که حجم بزرگی از عرضه جهانی در چنین محدوده کوچکی متمرکز می‌شود، هرگونه ناامنی یا اختلال در آن، به‌سرعت به شوک اقتصادی در مقیاس جهانی تبدیل خواهد شد. به همین دلیل است که تنگه‌ها صرفاً موضوع امنیت دریایی نیستند، بلکه مستقیماً به مسئله تورم، رشد اقتصادی، امنیت غذایی، تولید صنعتی و ثبات سیاسی کشورها گره می‌خورند. با این حال، نکته‌ای که معمولاً کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، آن است که این اهرم‌ها در هنگامه بروز بحران، هرچند قدرتمند، اما دائمی نیستند و درعین‌حال در کوتاه‌مدت اثرگذاری آنها شدید است، اما همیشگی نیست. درواقع هر اهرم ژئواکونومیک تاریخ انقضای خود را دارد و آنچه به آن معنا می‌بخشد، بیش از هر چیز عنصر زمان است. بهره‌گیری از اهرم‌های ژئواکونومیک زمانی مؤثر است که در خدمت یک پایان حساب‌شده قرار گیرد؛ پایدانی که منافع ملی را تأمین کند و امکان بازسازی اقتصاد را فراهم آورد.

اهرم‌های ژئواکونومیک زمان‌مندند

قدرت اصلی گذرگاه‌های انرژی در همان لحظه نخست آغاز بحران آشکار می‌شود؛ زمانی که بازارها غافلگیر می‌شود، مسیرهای جایگزین شکل نگرفته، ذخایر به طور کامل آزاد نشده و بازیگران اقتصادی تصویری روشن از آینده ندارند. در چنین شرایطی، اولین واکنش معمولاً جهش قیمت‌هاست. هزینه حمل‌ونقل افزایش می‌یابد، نرخ بیمه صعود می‌کند، نگرانی روانی بازار بالا می‌رود و ذخیره تأمین جهانی وارد وضعیت اضطراب می‌شود. به‌عنوان مثال چنان‌که شاهد هستیم اختلال اخیر در تنگه هرمز موجب شد تا بازار در برابر قیمت نفت و فرآورده‌های انرژی فورا واکنش نشان دهد. اما مسئله فقط نفت نیست. بازارهای مالی، صنایع وابسته به انرژی، تجارت دریایی و حتی بازارهای مصرفی نیز در برابر چنین شوکی واکنش نشان می‌دهند. آنچه در روزهای نخست رخ می‌دهد، بیش از آنکه محصول کمبود واقعی باشد، نتیجه انتظارات و ترس از آینده است. در همین مرحله است که اهرم ژئواکونومیک بیشترین اثر خود را دارد؛ زیرا بازار هنوز فرصت سازگاری پیدا نکرده و بازیگران جهانی در حال ارزیابی ایجاد بحران‌اند. به بیان دیگر، ارزش اهربردی یک گذرگاه مهم بیش از هر زمان در دوره شوک اولیه نمایان می‌شود. با این حال بازار جهانی، ساختاری منفعل نیست. تجربه دهه‌های گذشته نشان داده است که اقتصاد بین‌الملل در برابر بحران‌های انرژی، ظرفیت بالایی برای تطبیق دارد. آن‌طور که پس از عبور از شوک نخست، روند بازتنظیم آغاز می‌شود، مسیرهای جایگزین استفاده می‌شود، ذخایر استراتژیک آزاد می‌شود، عرضه‌کنندگان دیگر سهم بیشتری به بازار می‌آورند، الگوی مصرف تغییر می‌کند و دولت‌ها با ابزارهای حمایتی یا کنترلی وارد میدان می‌شوند. به‌همین دلیل قیمت‌هایی که در روزهای ابتدایی بحران به شکل جهشی بالا می‌روند، الزاماً در همان سطح باقی نمی‌مانند. ممکن است بازار به قیمت‌های پیش از بحران بازگردد، اما معمولاً در سطحی تازه به تعادل نسبی می‌رسد و شوک اولیه جای خود را به نظم جدید می‌دهد و همین نقطه آغاز کاهش اثر اهرم فشار است. دراین‌میان رفتار مصرف‌کنندگان نیز تغییر می‌کند. دولت‌ها مصرف سوخت را مدیریت می‌کنند، حمل‌ونقل عمومی تقویت می‌شود، صنایع بهره‌وری انرژی را افزایش می‌دهند و خانوارها الگوی مصرف خود را تعدیل می‌کنند و آنچه در ابتدا بحران تلقی می‌شد، به‌تدریج به واقعیتی مدیریت‌پذیر تبدیل می‌شود. بااین‌همه مهم‌ترین نکته، زمان‌بر بودن این فرایند است و حسب شدت و عمق بحران، این بازه ممکن است بین ۱۸ تا ۶ ماه به طول بینجامد. از همین روست که گفته می‌شود اهرم‌های ژئواکونومیک تازه‌مانندند. آنها اگر در بازه کوتاه اثر نگذارند، در بلندمدت به‌تدریج فرسوده می‌شوند.

تنگه هرمز در من بحران جاری

هر بحران مرتبط با گذرگاه‌های انرژی، معمولاً مسیری مشابه را طی می‌کند. ابتدا مرحله شوک است؛ دوره‌ای که بیشترین اثرگذاری را دارد و می‌تواند چند هفته تا حدود سه ماه ادامه یابد. سپس مرحله تطبیق آغاز می‌شود؛ جایی که بازار و دولت‌ها در جست‌وجوی راه‌حل‌های تازه‌اند که می‌تواند زمانی بین ۳ تا ۹ ماه طول بکشد. پس از آن، بازار به شرایط جدید عادت می‌کند و قیمت‌ها در سطحی تازه نرمال می‌شود که می‌تواند زمانی بین ۶ تا ۱۸ ماه را شامل شود. در نهایت، خود بحران نیز بخشی از نظم جدید می‌شود و اثر اولیه آن به شکل محسوسی کاهش می‌یابد. این منطق، توضیح می‌دهد که چرا بسیاری از بحران‌های بزرگ انرژی در جهان، از ماه‌های نخست بیشترین اهمیت را داشته‌اند و پس از آن، با وجود ادامه تنش، از شدت اثرگذاری اقتصادی‌شان کاسته شده است. به بیان روشن‌تر، گذرگاه‌های انرژی ابزار فشارند، اما نه ابزار فشار نامحدود. درمورد تنگه هرمز نیز این بحث از سطح نظری فراتر می‌رود و وارد میدان واقعیات جاری می‌شود. این گذرگاه فقط یک مسیر دریایی نیست، بلکه یکی از حساس‌ترین نقاط اتصال عرضه و تقاضای انرژی در جهان به شمار می‌رود و هرگونه اختلال در آن، نه‌تنها بر صادرکنندگان منطقه، بلکه بر مصرف‌کنندگان بزرگ آسیایی و اقتصاد جهانی اثر مستقیم دارد. اما در بحران اخیر در زمینه جنگ آمریکا با ایران و مدیریت هوشمندانه تنگه هرمز از سوی ایران و محاصره دریایی از سوی آمریکا، هر دو طرف با محدودیت زمانی روبه‌رو هستند. ایران از یک سو با ضرورت حفظ تاب‌آوری اقتصادی، تأمین منابع انرژی، بازسازی آسیب‌های ناشی از جنگ و جلوگیری از اختلال طولانی‌مدت در تولید مواجه است؛ چراکه اقتصاد ملی هرچند تجربه سال‌های دشوار تحریم و شوک را پشت سر گذاشته، اما روشن است که استمرار بحران هزینه‌زا خواهد بود. در مقابل، آمریکا نیز با محدودیت‌های خاص خود روبه‌رو است.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

مدرک فارغ التحصیلی اینجنانب فریده فغانی رادگان فرزند محمدعلی به‌گد ملی ۰۰۸۲۲۰۱۳۹۰ صادره از تهران درمقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی تکنولوژی معماری صادره از واحد دانشگاهی آزاد شهر قدس به شماره مدرک ۲۶۴۷۰۱۱ و تاریخ ۷۱۰/۱۳۹۳/۱مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. اینزاینده تقاضای می شود اصل مدرک را به یه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس به نشانی شهر قدس، میدان قدس، انتهای بلوار شهید گلهر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس ارسال نمایند.

نگاهی به معادلات سیاست داخلی و تأثیر آن بر مناسبات سیاست خارجی در گف‌ت‌و‌گو با حسین مرعشی

معمای مذاکره



عبدالرحمن فتح‌اللهی، در حالی که ایران به‌طور مستمر بسته‌های پیشنهادی به آمریکا ارسال می‌کند، رد مکرر آنها از سوی دونالد ترامپ به انسداد دیپلماتیک انجامیده است. هم‌زمان، در داخل نیز نوعی دوگانگی گفتمانی درباره مذاکره و هدف آن، یعنی توافق، دیده می‌شود. برخی جریان‌ها مخالف مذاکره‌اند، در حالی‌که در سطوحی از تصمیم‌گیری، مذاکره همچنان ابزاری ضروری تلقی می‌شود. این وضعیت، پرسش‌هایی درباره سازوکار تصمیم‌سازی شرایط بازتاب تلافی رویکردهای تقابلی و تعاملی و نشانه‌ای از پیچیدگی در سطوح تصمیم‌گیری است. از این‌رو، بررسی وضعیت جاری در سطح تصمیم‌گیری‌ها، به محور گفت‌وگوی «شرق» با حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، بدل شده است

که در ادامه، حاصل این گفت‌وگو از نظر می‌گذرد.

●●●

❖ به نظر می‌رسد آنچه در معادلات سیاست خارجی شکل گرفته، به قول ماکس وبر، مصداق بارز «آشفتنگی نخبگانی» است. این روزها بسته‌های پیشنهادی تهران یکی پس از دیگری به واشنگتن ارسال می‌شود و همه آنها هم از سوی ترامپ رد می‌شود. این در حالی است که طیفی در داخل اساساً قائل به مذاکره نیستند.

نه، این وضعیت آشفتگی نام ندارد، بلکه یک وضعیت کاملاً طبیعی است. کمالاتیکه در آمریکا هم همین وضعیت وجود دارد. برخی جریان‌ها مخالف مذاکره هستند و برخی نیز با اتکا بر قدرت نظامی خود، در عین حال مذاکره را پیش می‌برند.

❖ اگر جمع‌بندی در داخل کشور روی مذاکره نیست، پس این سلسله بسته‌های پیشنهادی از کدام منبع و با چرخ سبز چه جرانی به نام بسته پیشنهادی ایران ارسال می‌شود؟ اگر هم نباشد که مذاکره شود، پس این ادبیات را دیگال‌ها چه معنایی می‌دهد؟ بم‌اندک طیفی هم اساساً معتقدند ایران صرفاً «مذاکره» می‌کند، اما داستان «توافق» کاملاً متفاوت است. اگر این تششت کلامی و رفتاری آشفتنگی نخبگانی نیست، پس چیست؟

موضوع را این‌گونه ببینید و این‌گونه تحلیل نکنید. ایران به اتکای قدرت دفاعی خود در مذاکرات شرکت می‌کند و بر سر همین توان دفاعی خود نیز در عرصه دیپلماسی با قدرت ظاهر می‌شود و بسته پیشنهادی خود را در راستای نفع ملی ارائه می‌دهد.

❖ سسر کلنه «قدرت» یا شما بحث دارم. شما چه پارامتری برای تعریف قدرت دارید؟

امروز سه عنصر بسیار کلیدی و مهم در تعیین سرنوشت کشور نقش حیاتی ایفا می‌کنند؛ اول، قدرت نظامی و آمادگی کامل نیروهای نظامی برای عملیات میدانی و دفاع از کشور، دومین عامل، توان بالای دیپلماسی برای پیشبرد مذاکره است و سومین نکته نیز به مدیریت اقتصادی و تقویت بنیه معیشتی جامعه‌بازمی‌گردد که رابطه بسیار تنگاتی با تاب‌آوری مردم دارد. این سه عنصر باید به‌صورت ترکیبی عمل کنند و اکنون نیز به‌صورت ترکیبی در حال عمل هستند.

❖ و به نظرتان این سه عنصر اکنون برجاست و هماهنگ کار می‌کنند؟

بله، این عناصر به‌صورت ترکیبی عمل می‌کنند.

❖ با این حساب مسیر پیش‌رو را چگونه می‌بینید؟ تهدیدهای ترامپ مسیری را عوض نمی‌کند؟ اگر جنگ شود چه؟

مسیر درست همین مسیر است، یعنی نه ما می‌توانیم تهدیدهای مکرر آمریکایی‌ها را نادیده بگیریم و نه خودمان باید قدرت نظامی‌مان را حتماً به رخ بکشیم و توانایی‌ها، امکانات و برگ‌های برنده‌مان را روی میز بگذاریم و رو کنیم. ما باید به‌گونه‌های عمل کنیم که آمریکایی‌ها بفهمند اگر بخواهند وارد مذاکره شوند، آنها هم باید امتیاز بدهند. نمی‌شود انتظار داشت ایران یک‌طرفه همه امتیازها را بدهد. اما اگر هم بخواهند مجدداً جنگ راه بیندازند، باید بدانند که آنها نیز باید هزینه سنگینی را پرداخت کنند. منتها همان‌طور که گفتم، طی‌کردن این مسیر شرایط لازمی دارد؛ درمورد باید در دیپلماسی منطقی و دقیق برخورد و معنطف عمل کنیم، هم باید قدرت اقتصادی‌مان و توان معیشتی و سفره مردم را به‌خوبی مدیریت کنیم تا تاب‌آوری جامعه تضعیف نشود. ضمن آنکه باید بر تقویت جدی توان دفاعی

توصیه شما چیست؟

یک نماینده مجلس: مردم حق دارند از وضعیت کشور مطلع شوند

معمای مذاکره

کنار فعالیت‌های دیپلماتیک کشورمان، از جمله تماس‌های آقای رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه با هم‌تایان خارجی‌شان، گفت‌وگوها و حضور در مجامع تصمیم‌گیری، سفرهای خارجی، مذاکرات صورت‌گرفته و نیز اقدامات شایسته دولت برای تأمین نیازهای کشور، مجموعه‌ای را شکل می‌دهد که از آن به‌عنوان «تاب‌آوری سیاسی» و نیز «تاب‌آوری اجتماعی» ایرانیان یاد می‌شود. پس روشن است که اگر دولت نتواند اقتصاد را مدیریت کند، معادلات معیشتی را کنترل کند، این پشتوانه نیز ضعیف خواهد شد.

❖ توصیه شما چیست؟

من می‌خواهم روی انسجام توصیه‌کنم و فکر می‌کنم که باید همان‌گونه که در اعلام‌های رسمی گفته می‌شود، انسجام کاملی به‌وجود آید؛ یعنی با حضور آقای رئیس‌جمهور، آقای قالیباف، سپاه و وزیر امور خارجه و کلیه مقامات باید یک درک و شناخت کامل و دقیقی از حوزه‌های یکدیگر به وجود یابد تا هر سه نهاد نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی همان‌طورکه بر هم اثرگذار و اثرپذیرند، جا دارد از مشکلات و کم و کاستی‌های همدیگر هم مطلع باشند که به شکل هماهنگ عمل کنند. واقعاً جا دارد نهادها مشکلات فعلی به‌خصوص در حوزه اقتصادی را به‌خوبی درک کنند و یک مجموعه واحد باشند.

❖ این نگاهتان تأیید دخالت در امور سه حوزه بر دیگر حوزه‌ها نیست؟

خیر. واقعاً سپاه و کلیه بدنه نظامی و دفاعی کشور نمی‌تواند بدون تاب‌آوری جامعه که تحت تأثیر اقتصاد و کرانی‌های شدید این روزهاست، از ایران دفاع کند. یعنی اقتصاد نیز بدون داشتن یک سپاه مقتدر قابل اداره نیست. همچنانی که دیپلماسی هم متکی به قدرت نیروهای مسلح و تاب‌آوری مردم و موفقیت دولت است. پس این دخالت نیست، بلکه شناخت از مشکلات دیگر حوزه‌هاست که به شکل یک واحد منسجم و هماهنگ عمل کنند. اکنون انسجام بسیار مهم است. آنچه مهم است این است که مسئولان کشور در این مقطع کاملاً هماهنگ باشند؛ نه صرفاً از جهت تأییدهای ظاهری و تعارفات سیاسی، بلکه با درک مشترک از مسائل. فرماندهان نظامی باید مشکلات اقتصادی کشور را درک کنند و دولت نیز باید به نقش بی‌بدیل سپاه توجه داشته باشد. این مجموعه باید مکمل یکدیگر باشند و از مجلس و دستگاه دیپلماسی در مذاکرات پشتیبانی کنند. در نهایت، باید در کشور تصمیم‌گیری صورت گیرد، ما باید به‌شدت توجه‌خطر فرسایشی‌شدن وضعیت «نه جنگ و نه صلح» باشیم؛ چراکه این فرسایش به کشور لطمه می‌زند. پیش از رسیدن به نقطه‌ای که ناچار به اتخاذ تصمیمات سخت شویم، باید بیروزی سیاسی ایران تثبیت شود؛ آن هم از طریق یک صلح آبرومندانه و مناسب، ان‌شاءالله.

❖ در آخرین مصاحبه‌ای که دهم دی‌ماه سال قبل با شما داشتیم همدار دادید و تأکید کردید که مسئله تاب‌آوری اقتصادی مردم باید به‌جد مورد توجه قرار گیرد. ضمناً گفتید: «در کشور بیش از آنکه ما بی بی‌دولتم مشکلات جاری از کشور و نظام خود حمایت می‌کنند و چنین خطری مانند اتفاقات تلخ دی ماه وجود ندارد.

❖ ولی تحلیلتان که مشکلات و خطر را انکار نمی‌کند.
خیر، مشکلات هست و به همین دلیل معتقدم که این مردم مقاوم که در ایام جنگ و آتش‌بس پای دفاع از کشور ایستادند باید بتوانند زندگی زنگی نبخشند؛ این نکته را فراموش نکنیم.

بن بست حقوقی واشینگتن، فشار دریایی و مذاکرات اسلام‌آباد در سایه بازدارندگی متقابل؛

خلیج فارس در آتش بس شکننده

کنگره عملیات نظامی خارجی انجام دهد. اکنون این مهلت به پایان رسیده است. با این حال، دولت ترامپ استدلال می‌کند دوره آتش‌بس دوهفته‌ای نباید در محاسبه این بازه زمانی لحاظ شود، زیرا در آن مقطع عملیات نظامی فعال متوقف بوده است.

این تفسیر به کاخ سفید آمریکا و اسرائیل با ایران با هدف تغییر موازنه و دریایی را در چارچوب قانونی توجیه کند.

در مقابل، بخشی از کنگره، به‌ویژه نمایندگان دموکرات، این استدلال را تلاشی برای دوردزن محدودیت‌های قانونی و تضعیف نقش قوه مقننه می‌دانند. از آن‌گاه آنان، حتی در دوره آتش‌بس نیز حضور نظامی گسترده، محاصره دریایی و تهدیدهای متقابل ادامه داشته است و بنابراین نمی‌توان از پایان واقعی مخاصمه سخن گفت. با این حال، برتری نسبی جمهوری‌خواهان در سنا و مجلس نمایندگان تا حدی به نفع کاخ سفید عمل کرده و مانع از شکل‌گیری محدودیت‌های الزام‌آور و مؤثر علیه دولت شده است. این وضعیت اگرچه موقعیت ترامپ را تقویت می‌کند، اما در عین حال نشان‌دهنده یک شکاف پایدار در ساختار تصمیم‌گیری سیاسی آمریکا نیز هست. در سطح قضائی نیز احتمال ورود دیوان عالی به این مناقشه اندک است، زیرا بر

اساس دکترین «مسئله سیاسی»، اختلافات مربوط به جنگ و اختیارات میان قوه مجریه و مقننه معمولاً خارج از صلاحیت رسیدگی قضائی تلقی می‌شود. در نتیجه، این بحران در نهایت در عرصه سیاسی و موازنه قدرت در کنگره تعیین تکلیف خواهد شد. در حوزه دیپلماتیک، مذاکرات اسلام‌آباد با وجود آغاز رسمی، همچنان با شکاف‌های عمیق و مطالبات حدکنزنی خود طرف روبه‌روست. واشینگتن بر محدودسازی شدید برنامه هسته‌ای ایران، توقف کامل چرخه حساس سوخت و انتقال حدود ۴۰ کیلوگرم مواد غنی‌شده به خارج از کشور تأکید دارد. در مقابل، تهران بر پایان فشارهای دریایی، رفع تدریجی تحریم‌ها، توقف تهدید نظامی و به رسمیت شناخته‌شدن حقوق هسته‌ای خود در چارچوب مقررات بین‌المللی اصرار می‌ورزد. این شکاف ساختاری، امکان دستیابی به توافق سریع را محدود کرده است. با وجود این شرایط، مسیر مذاکره به‌طور کامل مسدود نشده است. هر دو طرف به‌نوعی به ادامه گفت‌وگو نیاز دارند، اما نه بر مبنای اعتماد، بلکه بر اساس مدیریت هزینه‌ها و جلوگیری از تشدید بحران. در نتیجه، محتمل‌ترین سناریو در کوتاه‌مدت نه بازگشت به جنگ گسترده است و نه دستیابی به توافق جامع، بلکه ادامه وضعیت آتش‌بس شکننده همراه با مذاکرات فرسایشی و تدریجی خواهد بود. در جمع‌بندی نهایی، بحران کنونی حاصل هم‌پوشانی سه سطح است: تنش میدانی و نظامی، مناقشه حقوقی در واشینگتن بر سر پایان مهلت ۶۰روزه جنگ و شکاف دیپلماتیک میان مطالبات حدکنزنی طرفین. این سه سطح در کنار هم وضعیتی ایجاد کرده‌اند که در آن نه جنگ قابل گسترش پایدار است و نه صلح قابل تحقق سریع. در نهایت، مهم‌ترین خطر پیش‌رو نه تصمیم آگاهانه برای آغاز جنگی جدید، بلکه احتمال وقوع یک خطای محاسباتی در محیطی فوق‌العاده حساس است؛ خطایی که می‌تواند تعادل شکننده موجود را به‌سرعت بر هم ریزد و منطقه را بار دیگر به سوی یک بحران گسترده و غیرقابل کنترل سوق دهد.

خبر

سازمان اطلاعات سپاه: فضای تصمیم‌گیری برای آمریکا محدود شده است

سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه ترامپ باید بین «عملیات غیرممکن یا توافق بد با جمهوری اسلامی ایران» انتخاب کند، عنوان کرد: فضای تصمیم‌گیری برای آمریکا محدود شده است. به گزارش ایسنا، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ضرب‌الاجل ایران علیه محاصره به پنتاگون، تغییر لحن چین، روسیه و اروپا علیه واشنگتن، نامه انفعالی ترامپ به کنگره، پذیرش شروط مذاکراتی ایران یک معنا بیشتر ندارد؛ ترامپ باید بین «عملیات غیرممکن یا توافق بد با جمهوری اسلامی ایران» انتخاب کند. فضای تصمیم‌گیری برای آمریکا محدود شده.»

یک نماینده مجلس: مردم حق دارند از وضعیت کشور مطلع شوند

رئیس مجمع نمایندگان خراسان رضوی با تأکید بر اینکه مردم حق دارند از وضعیت کشور مطلع شوند، گفت: حفظ وحدت مردم بسیار مهم است؛ مردم ما تمام داشته‌های خود را پای میدان گذاشتند. علی آذری در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به ادعای ترامپ مبنی بر نبود اتحاد در بین مسئولان ایران، اظهار کرد: جنگ‌های امروز از گذشته بسیار متفاوت است؛ اکنون ما درگیر یک جنگ ترکیبی هستیم که یکی از بخش‌های اصلی آن، رسانه است. ما فقط در میدان و با تجهیزات روبه‌رو نشدیم، قدرتی که امروز جنگ رسانه‌ای و القای شبهه و اختلاف می‌تواند ایجاد کند، از قدرت میدان نیز برتر است. وی با بیان اینکه اکنون رسانه‌ها اقتدار و حرمت خاصی دارند، اظهار کرد: رسانه‌ها واسط گفت‌وگو و اطلاع‌رسانی هستند. خلیقات ترامپ این است که تمام بازی‌های خود را ابتدا در حوزه رسانه شروع می‌کند و اگر بتواند در این زمینه موفق شود و با بازی‌های رسانه‌ای خود به وحدت کشور لطمه وارد کند، به اهداف پلید خود می‌رسد.

این نماینده مجلس ادامه داد:

آمریکا کشوری است که در تاریخ ۳۰۰ساله خود، دستاورد ارزشمندی ندارد و در مقابل آن، ما کشوری هستیم که تاریخ شش هزار ساله‌مان از نجوم، ریاضی و مباحث دیگر غنی است. ترامپ اکنون تلاش می‌کند از درون، وحدت بین مسئولان ایرانی را درهم بشکند. لذا امروز زمان نقش‌آفرینی درست رسانه‌هاست که با گفت‌وگو، واقعیات درست را منعکس کنند. آذری با بیان اینکه مردم حق دارند از وضعیت کشور مطلع شوند، تأکید کرد: حفظ وحدت مردم بسیار مهم است؛ مردم ما تمام داشته‌های خود را پای میدان گذاشتند. در مدت گذشته، متأسفانه اتفاقاتی در کشور رخ داد که بسیار باعث رنجش خاطر مردم شده است؛ مثلاً خودروسازان به خود اجازه دادند قیمت‌های جدید را اعلام کنند و ما در مجلس باید پیگیر باشیم تا خودروی ملی با حداقل قیمت به دست مردم برسد. او در ادامه گفت:

وزارت علوم نیز باید تغییراتی را در خود ایجاد کند. چرا زمانی که دنیا در حال تسلط بر هوش مصنوعی است، ما کم‌اکنان دانشجویان خود را مجبور می‌کنیم از مقالات داخلی و خارجی برای رساله‌های خود استفاده کند؟ برای جنگ‌های رمضان و ۱۴روزه که خیلی از دانشمندان ما به شهادت رسیدند، از همین مقاله‌ها شناسایی شدند. او با بیان اینکه امروز نباید با زبان تعارف با مردم رفتار کنیم، گفت: امروز باید شفاف و واضح با مردم سخن بگوییم. یکی از وظایف نمایندگان، شرح حال گرفتن از مردم است. تعداد زیادی از مردم به ما برای قیمت‌های خودرو معترض هستند. مجلس باید مسائلی را که به وحدت و زحمت مردم در میدان آسیب رده است، شناسایی و با قاطعیت با آنها برخورد کند.